باسمه تعالی

نشست چهارم:

**بررسی موضوعی حدود تبعیت از ولی جامعه**

[ولایت طولی 2](#_Toc403373202)

[معنای تدبیر 2](#_Toc403373203)

[اطاعت در قرآن 4](#_Toc403373204)

[درس خواندن 4](#_Toc403373205)

[دعوت پیامبر و ولی را به چه صورت جواب دهیم؟ 5](#_Toc403373206)

[نحوه مدریت ولی در جامعه 6](#_Toc403373207)

[وظیفه ما درقبال حضرت آقا: 6](#_Toc403373208)

[تمثیل حضرت عباس 6](#_Toc403373209)

# بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی محمد و اله الطاهرین

# ولایت طولی:

جلسه پیش ما در مورد ولایت (ولایت طولی و عرضی) بحث کردیم. انشاالله بحث ولایت طولی و راس ولایت طولی را بحث میکنیم.

# معنای تدبیر:

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه میفرماید: (الهی اغنی بتدبیرک عن تدبیری) با تدبیر خود مرا از تدبیر خودم بی نیاز کن. این مطلب 2 نکته دارد. البته بعضی هستند که هنوز به جمع بندی پیرامون خودشان نرسیدند اما راهکار اصلاحی پیشنهاد می دهند مثل خیلی از ورودی های سال چندم دانشگاه که هنوز نتوانسته است برای خودش هدف و شیوه زندگی پیدا کند اما به ورودی های جدید تر مشاوره میدهد. (أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لاَّ يَهِدِّيَ إِلاَّ أَن يُهْدَى)... .

## ولایت محض

این که به ما فرمودند «تبعیت محض از ولی مطلق الهی»؛ یعنی که شخص هیچ اراده ای از خودش ندارد. یعنی اینکه ضمن سپردن کامل خود به خدای متعال، هوای نفسی هم ندارد که کسی را بخواهد معطل خود بکند؛ هوای نفس ندارد که دیگران را بخواهد سر کار خودش معطل بکند.

یک نکته دیگر برای ما این است که اگر یک زمان دیگری بخواهیم تدبیر کنیم؛ حواسمان باشد ما تدبیر در "راستای "ولی جامعه داریم اما مطلقاً تدیبری در "کنار" ولی جامعه نداریم.

## دلیل تبعیت محض:

 ما نمیتوانیم برای خودمون تدبیر کنیم. ما باید آنچه ولی جامعه می گوید را خوب بفهمیم و تدبیر کنیم. این لازمه اش چیست؟ طبعاً لازمه اش این است که شما خوب تدابیر و مطالب ولی جامعه را بفهمید. و الاّ در تشکیلات سه نفره هم که باشید بالاخره یک سری ریزه کاری ها را بدون فهم دلیل بین خود انجام می دهید.

از علت های مهم تشتت ها در جامعه این است که هرکس آنچه خودش از سخنان ولی جامعه را فهمیده عمل می کند. دلیل آن این است که ما نمی آییم سخنان ولی جامعه را به صورت درست و حسابی گوش بدهیم و تامل بکنیم و اندیشه بکنیم و به همین اخبار گه‌گاهی بسنده می کنیم. خیلی جاها بوده که من شاهد بودم میگفتند که این حرف آقا در اینجا و اونجا یعنی چی؟ هی دنبال واسطه میگردند که منظور آقا را بتوانند توی فلان مطلب استخراج کنند؛ در حالی که منظور آقا بسیار واضح و ساده بیان شده است. اگر یک ذره مطالعه کنیم و بخوانیم متوجه می شویم خیلی شفاف و واضح است.

 نکته جالب تر این است که بعضی افراد از هر راهی می روند که بگویند نه این نظر آقا این طوری نیست و این مدلیه است و فلان سخنران بغل دست آقا نشسته بوده و این سخنران این حرف رو به زور از دهن آقا کشیده!!!! و نظر آقا اینطوری نیست و این مدلیه و...

تعللی که در مساله ندانستن یک حکم و اشتباهی که در کار های ما بوجود می آید اگر بخاطر ندانستن یک حکم باشد اینجا ما حجت شرعی داریم و اما گاهی اصلاً به سراغ آن نمی رویم و اشتباه میکنیم و این اشتباه ها معفو نیست به هیچ عنوان. (هُزِّی الیک بِجِذْعِ النَّخلَةِ تُسَاقِطُ عَلَیک رُطَباً جنیاً) این خرما در بالای درخت هست ولی باید تو هم یک حرکتی انجام بدهی .مطالب در دسترس ماست نه در دست ماست و ما باید دنبالش برویم.

بنا بر این یکی از چیز هایی که ما لازم است بدانیم و دنبالش کنیم به نظر حقیر همین نکته است که بیانات و تدابیر و فرامین ولی جامعه را ما باید بدانیم و عمل کنیم . خوب این بسیار مطلوب و کار بسیار مفیدی است.

# اطاعت در قرآن

# ما اگر به قرآن هم مراجعه کنیم میبینیم که قرآن هم مکرر دعوت میکنه به اطاعت از ولی جامعه بعد به حواشی آن هم اگر دقت کنیم میبینیم فقط این دستور در پذیرش نیست که ولی جامعه ما ایشان هست و در فهم این مطلب اهمیت مطلب را میفهمیم و اینجا ما میتوانیم بفهمیم دلیل اینکه امام(ره) میفرمودند: خدا رحمت کند شما را 60 سال عبادت کردید یک ذره این وصیت نامه شهدا را بخوانید.آنها که 60 سال عبادت می کنند به فهم خودشان عمل می کنند هر چی باشد ولو نماز شب باشد به فهم خودش عمل میکند و با تدبیر خودش به جلو حرکت می کند ولی اون کسی که خودش رو می آورد به عرصه جهاد و وارد جنگ می شود همه چیز رو تنظیم میکند با(البته اگه تنظیم بکند و اگر نکند خیلی با غیر خودش فرقی نداره...) یک دستور از بالا خیلی فرق میکند این خیلی فرق میکند با کار های دیگر و نکته اینجاست که این خود عرفان است.یک فرمان دیگری آوردی که مدیریت شما مستقیماً با اوست. در بحث های اخلاقی، عرفانی (شخصی) این چنینی، وقتی انسان وارد اینها میشود ، میخواهی هوای نفست را بکوبی، میکوبی ولی آن غایتش آنچنان معلوم نیست. هرچه پیش آید خوش آید. اما در مفهوم جهاد شما یک تدبیری میکنی احساس میکنی الآن باید کمیل بخوانی، قرآن بخوانی و... .

# درس خواندن

درست است اشکال ندارد احساس ميکني مثلاً آلان آنقدر بايد درس بخواني، درس بخوان؛ ولی این که يک قاعده کلي باشد که ما هميشه بايد درس بخوانيم نه اين نيست ؛ آقا می فرمایند وظيفه ما درس خواندن است مي خوانيم مشکلي هم ندارد و الا نه. سه شانزدهم ميشويم هيچ مشکلي هم نداره يعني زمان اگه يک روز برسه به اونجا ها از کاري فرو گذار نميکنيم. شما هم يادتان باشد از آلان بايد تنظيم بکنيد و درس را براي درس نخوانيد درس را براي دستور آقا بخوانيد. اگر درس را براي دستور آقا بخوانيد نمي روید هيچ وقت نخواهید رفت يک مقاله اي بنويسيد که از مقاله هاي بيخود و الکي باشد .حتماً تو زحمت مي اندازيد خودتون را با اين هدف که يک جوري بخوانم يک جاهايي را بخوانم (که مورد دستور و دغدغه ولي جامعه است) نه اين که با ميز و پست و نمره و فلان شخص تنظيم باشد.

اين چنين فرد(بي مسوليتي ديگر وظيفه بودن درس برايش شبهه نيست)چنين فردي ميگويد درس بخوانم که به درد جامعه بخورم يا بدرد خود]که به لطف خدا به درد خودش هم نخواهد خورد چنين فردي[

# دعوت پیامبر و ولی را به چه صورت جواب دهیم؟

قرآن کريم در سوره نور ميفرمايد :(و اقسموا بالله جحد ايمانهم ائن امرتهم ليخرجن) اگر پيامبر امر بکند ما خارج مي شویم .(قل لا تقسموا) قسم نخوريد(طاعه معروفه)حرف کافي نيست .پياپي دنبال ادعا نباشيد ،آماده ايم آماده !! (ان الله خبير بما تعملون).
چند آيه ميگذرد و مي رسد به اين آيه که (لا تجعلوا دعا الرسول بينکم کدعا بعضکم بعضا)دعا منظور اون دعا نيست منظور دعوته است.

وقتي ولي جامعه شما را دعوت ميکند عادي نگيريد مثل دعوت ديگران. وقتي اسم ميگذارد همه به ولي جامعه توجه بکنند چيز کمي نيست .

 سل يعني شمشير کشيدن یعنی يه چيزي از جايش کشيدن(يتسللون منکم لواذه يعني تا در رفتند)به هر بهانه اي درس ،ازدواج و...(فليحضر الذين يخالفوکنم عن امر ربي)فرمودند که آنهايي که ولي جامعه رو يار ي نمي کنند 2 بلا بر آنها نازل خواهد شد.یک ان تصیبهم فتنه یعنی جامعه را فتنه خواهد گرفت و دوم ان تصیبهم عذاب الیم یا اینکه عذاب الیم بر آنها نازل خواهد شد.

شما اگر نیت کنیدکه در زیر خیمه اباعبدالله باشید و متاسی از از به اصحاب عاشورا شوید باید گوش و چشم به سمت ولی فقیه باشد. چرا خودمون را به چنین تبعیت محض به اصطلاح مجبور میکینم؟بخاطر اینکه خود ولی جامعه برای ما شرایط را بوجود آورده است و در هر تشکلی هم باید به این صورت باشد که پایین تر از بالا تر تبعیت کند. یک دیدگاه غلطی وجود دارد که بیشتر هم در بین قشر مذهبی این دیدگاه متبلور است و آن این است که تبعیت محض را به معنی کور و کر دانستن خود میدانند یعنی که هر چی که حضرت آقا بفرمایند همان است، هر چی که بالایی بگوید همان است؛ در توضیح باید گفت که کسی بر ما ولایت مطلق ندارد جز ولی مطلق که همان معصوم می باشد.

# نحوه مدریت ولی در جامعه

ولی جامعه هم هیچ گاه با اکراه و اجبار کسی را به کاری دعوت نمی کند مصداق بارز آن نحوه مدیریت حضرت آقا می باشد که اگر بنا می بود آقا به این صورت یعنی با اجبار مدیریت می کرد تا آلان باید تومار انقلاب در هم میپیچید.

# وظیفه ما درقبال حضرت آقا:

ما باید این آقا را بشناسیم خوب بشناسیم، بعد اعمال و سیره ایشان را مد نظر قرار دهیم زیرا شناخت سیره و رفتار ایشان باعث می شود که در موضع گیری ها درست اظهار نظر کنیم.

راس تشکیلات نباید به زور و اکراه کسی را در تشکیلات به کار گیری کند یعنی نباید آزادی کسی را سلب کند زیرا که این بر خلاف اصل انسانی است.

شهید بهشتی یک سخن زیبا دارند که می فرمایند: (امتیاز بزرگ اسلام این است که می خواهد با حفظ آزادی های اساسی انسان،انسان ها را بسازد).

# تمثیل حضرت عباس

حضرت عباس کسی بود که حتی یاران عاشورایی امام حسین هم ایشان را نمی شناختند، ایشان به خدمت امام حسین می رسند و در خواست ورود به میدان را میکنند و بعد از اصرار امام به ایشان اجازه میدان میدهد ولی امام می گوید که اگر می خواهی به میدان بروی بایدبه این ماموریت بروی که برای خیمه ها آب بیاری و حضرت عباس هم قبول میکند و این چینن حضرت عباس تسلیم امام خود بود؛حتما این اتفاق و درگیری برای آب با آن رزمی که خود ایشان برای خود متصور بوده تفاوت داشت ولی بالاخره ایشان تسلیم امر ولی خود بودند؛ در جهاد هم حتی اگر شما تسلیم امر ولی نباشی حتی اگر هم شهید هم شدی به آن جایگاه بالا نخواهی رسید مثل حضرت عباس که با امر ولی خود رفت قطعه قطعه شد دو دست خود را از دست داد ولی همین باعث شد که دوست بریده حضرت عباس عالمی را بتواند هدایت کند؛ این از تاثیرات مستقیم تسلیم امر ولی بودن است.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته